

تروریسم؛ ریشه‌ها و تکامل

منتقد: مهدی بیژنی^۱

نویسندگان: "جیمز ام. لوتز" و "برندا جی. لوتز"

سال چاپ: ۲۰۰۵

انتشارات: پالگراو مک میلان

محل چاپ: نیویورک

تعداد صفحات: ۲۲۳

تروریسم خشونتی نیست که فقط توسط یک گروه مذهبی خاص یا در کل، گروه‌های مذهبی صورت گیرد. هرچند که برخی اعتقادات مذهبی زمینه اشاعه تروریسم را فراهم می‌کند ولی عوامل دیگری نیز وجود دارد که

"تروریسم؛ ریشه‌ها و تکامل" عنوان کتابی است که توسط "جیمز ام. لوتز" و "برندا جی. لوتز" نگاشته شد و انتشارات "پالگراو مک میلان" در نیویورک آن را منتشر نموده است.

این کتاب دارای ۱۱ فصل می‌باشد. نویسندگان در فصل اول به برخی از پرسش‌های معمول در خصوص آغازگاه و کانون تروریسم پرداخته و این گونه نتیجه می‌گیرند که تروریسم امروز، تداوم ایده‌ای بنیادین است که ریشه آن به هزاران سال پیش برمی‌گردد. تروریسم حدود دو هزار سال سابقه دارد. ... تروریسم خشونتی نیست که فقط توسط یک گروه مذهبی خاص یا در کل، گروه‌های مذهبی

۱- دانشجو ی دکترای مطالعات خاورمیانه دانشگاه تهران

۱- دانشجو ی دکترای

صورت گیرد. هرچند که برخی اعتقادات مذهبی زمینه اشاعه تروریسم را فراهم می‌کند ولی عوامل دیگری نیز وجود دارد که موجب بروز تروریسم می‌گردند. همین طور، تروریسم پدیده‌ای تنها متعلق به خاورمیانه نیست. با وجود اینکه خاورمیانه همانند گذشته یکی از کانون‌های مورد توجه در زمینه تروریسم می‌باشد، اما در مناطق دیگر دنیا نیز فعالیت سیاسی خشونت‌آمیز به شکل‌های مختلف مشاهده شده است. فصل دوم این کتاب به "تعریف‌ها، طبقه‌بندی و علت‌های تروریسم" اختصاص دارد. نویسندگان در این فصل سه طبقه‌بندی کلی از تروریسم ارائه دادند که عبارتند از: **اجتماعی/گروهی** (قومی و مذهبی)، **ایدئولوژیک** (چپ و راست) و **ابزاری** (برای کسب قدرت).

همچنین در این فصل تعریفی نسبتاً جامع از تروریسم ارائه داده شده است:

"تروریسم دارای اهداف و آرمان‌های سیاسی است؛ متکی به خشونت و یا تهدید به خشونت می‌باشد؛ قصد آن ایجاد رعب و وحشت در جامعه هدف است و اهداف دیگری ورای قربانیان فوری خشونت را تعقیب می‌کند؛ این خشونت دارای سازمان بوده، افراد به صورت انفرادی عمل نمی‌کنند؛ تروریسم شامل یک بازیگر غیردولتی یا بازیگرانی به عنوان عاملان خشونت، قربانیان و یا هر دو می‌باشد؛ نهایتاً اینکه تروریسم خشونت است که هدف آن ایجاد قدرت برای سازمانی است که قبلاً فاقد آن بوده است."

شایان ذکر است این تعریف ما را در تشخیص درست پدیده‌های خشونت‌آمیز و تفکیک آنها از هم کمک می‌کند. برخی از گروه‌ها هرچند در نوشته‌های غیرتخصصی جزء گروه‌های تروریستی قلمداد می‌نمایند با توجه به تعرف فوق در شمار گروه‌های تروریستی به حساب نمی‌آیند. از جمله اعمال خشونت‌بار دارای انگیزه‌های مالی همچون آدم ربایی که برای باج خواهی یا معاوضه با افراد گروه و آزاد کردن آنها، یا امتیازگیری در قبال جرایم ارتكابی اعضای گروه صورت می‌گیرد- هرچند که در پی ایجاد وحشت میان جامعه هدف باشد- تروریسم محسوب نمی‌شوند.

همچنین ترور یک مقام سیاسی تنها در صورتی تروریسم را شکل می‌دهد که منجر به دادن هشدار یا ایجاد هراس در دیگر مقامات شود. بدین منظور یکی از اعضای گروه هدف می‌تواند جایگزین دیگری شود. اگر کشتن یک مقام سیاسی صرفاً به منظور حذف او از دایره قدرت صورت پذیرد، این یک عمل تروریستی محسوب نمی‌شود.

در فصل‌های سوم تا دهم پدیده‌های گوناگون تروریستی در دوره‌های مختلف زمانی مورد بررسی قرار گرفت. این دوره‌های زمانی عبارتند از: دنیای باستان، عصر میانه تا نوزایی، عصر تحولات، پایان جنگ‌های ناپلئون تا جنگ جهانی اول، دوره بین دو جنگ جهانی، دوره فروپاشی امپراتوری‌ها پس از جنگ جهانی

دوم، شورش‌های چپ‌گرایان در دهه ۱۹۶۰، دوره بازگشت از مارکسیسم به گروه‌گرایی، که هر دوره عنوان یک فصل می‌باشد.

این کتاب اطلاعات بسیار مفیدی از گروه‌های تروریستی از دنیای باستان تاکنون در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛ اینکه هر یک از این گروه‌ها در کدام قالب کلی مورد نظر نویسندگان، یعنی اجتماعی/گروهی (قومی و مذهبی)، ایدئولوژیک (چپ و راست) و ابزاری (برای کسب قدرت) قرار دارند و علل شکل‌گیری، اهداف و تلفات هر یک از این گروه‌ها چه بوده است.

هر چند نویسندگان در فضای جامعه غربی فکر می‌کنند، و به طبع این فضا بر آنها تأثیر گذاشته است، با وجود این، کتاب نگاه تقریباً بی‌طرف آن‌های در بررسی گروه‌های تروریستی دارد. اینکه نه فقط به گروه‌های فعال در جغرافیای اسلام بلکه به گروه‌های تروریستی که در دوره‌های مختلف زمانی در دنیای غرب شکل گرفتند، پرداخته است که این نگاه، در رد ادعای غربیان و برخی دشمنان اسلام مبنی بر رشد و نمو تروریسم در جغرافیای اسلام می‌تواند مفید واقع شود.

نکته بسیار حایز اهمیت اینکه کتاب اطلاعات مفیدی راجع به گروه‌های تروریستی یهودی در دوره‌های مختلف زمانی از جمله مکابی‌ها و زیلوت‌ها (تندروها) در دنیای باستان و گروه‌های یهودی تروریست فعال در آستانه شکل‌گیری دولت اشغالگر اسرائیل و بعد از آن، از جمله «ارگون» و «اشترن گنگ» و شیوه‌های عملیات آنها (عملیات پرچم‌های دروغین) که در دنیا تقریباً - البته فاشیست‌ها هم گاهی این گونه عملیات می‌کردند- بی سابقه بوده است، ارایه می‌دهد.

همچنین کتاب در بررسی ریشه‌های شکل‌گیری گروه‌های تروریست، علت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای بروز تروریسم برمی‌شمارد. در کوتاه‌مدت، رویدادهای مختلفی ممکن است موجب بروز تروریسم شوند. از جمله وقتی که سربازان دولتی بر روی تظاهرکنندگان آتش می‌کشایند، یا یک کشور در جنگ شکست می‌خورد، و یا وقتی که اقتصاد کشوری فرو می‌پاشد، هر کدام ممکن است علت آغاز حمله‌های خشونت‌آمیز توسط معارضان باشند. در بلندمدت عللی مختلفی می‌تواند در شکل‌گیری تروریسم نقش داشته و می‌تواند در همه زمان‌ها و مکان‌ها صدق بکنند و شاید هم بر حسب زمان و مکان متفاوت باشند. این علت‌های بلندمدت عبارتند از:

۱- نابرابری اجتماعی و اقتصادی:

نابرابری اقتصادی و اجتماعی یکی از عوامل زمینه‌ساز نارضایتی است. ممکن است معارضان بحث نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را پیش بکشند. آنها همچنین شاید خواهان بازگشت به برخی از

«دوره‌های طلایی» جامعه اخلاقی یا ایجاد یک شهر کوچک هماهنگی باشند که در واقع هرگز وجود نداشته است.

۲- وجود مشکلات اقتصادی:

نویسنده نیز همچون "رائول کارسو" و "فریدریش اشنایدر" فقر و فرصت‌های نابرابر را یکی از عوامل بسترساز تروریسم معرفی می‌کنند. "کارسو" و "اشنایدر" معتقدند تروریسم با ساماندهی و جذب نیرو از میان این فقرا قدرت می‌یابد. علاوه بر این دامن زدن به نارضایتی‌ها و سوار شدن بر موج اعتراضات از دیگر شرایط مناسب برای تقویت اقدامات تروریستی بشمار می‌رود.

۳- محرومیت نسبی:

از نگاه "تد رابرت گر" محرومیت نسبی برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آنها است. نویسنده معتقد است محرومیت نسبی نیز یکی از عوامل است که ممکن است زمینه‌ساز شکل‌گیری تروریسم باشد.

۴- نبود فرصت مشارکت:

نبود فرصت مشارکت نیز می‌تواند بسترساز بروز تروریسم در کشورها باشد. هرگاه همراه با جریان نوسازی، نهادهای سیاسی، احزاب و گروه‌های ذینفع که باعث مشارکت وسیع مردم در امور سیاسی می‌گردند، پدید نیاید و مردم نتوانند آراء و نظریات خود را از طریق قانونی به اطلاع مسئولان برسانند، با توجه به سطح آگاهی موجود، ممکن است به اشکال غیرقانونی و خشونت‌آمیز از جمله تروریسم متوسل شوند.

۵- سرکوب حکومت:

حکومت‌های دیکتاتوری اغلب برای کنترل مردم از ابزار سرکوب بهره می‌گیرند. این ابزار هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت نتیجه‌بخش بوده و موجب فرمانبرداری مردم شود اما در بلندمدت بذر نارضایتی را در جامعه پراکنده و بستری برای سرکشی از حکومت و در صورت وجود شرایط مناسب، ظهور تروریسم خواهد بود.

۶- جهانی شدن:

جهانی شدن ممکن است جوامع و نظام‌های سیاسی را با تنش‌هایی مواجه نمایند. در فرایند جهانی شدن،

ایده‌ها، نهادها، تولیدات و سازمان‌های جدید در جوامع محلی رسوخ پیدا می‌کنند. نوسازی ممکن است به نهادهای سیاسی موجود در دولت‌ها آسیب‌زده و منجر به تضعیف و نابودی اساسی این دولت‌ها شود. ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی هر جامعه‌های ممکن است به وسیله ایده‌های بیرونی به چالش کشیده شود. جهانی شدن نیز تغییر ساختارهای اقتصادی را به دنبال دارد از این رو، هر یک از نمادهای جهانی شدن، ممکن است اهداف مشروعی برای حمله معارضانی باشد که مخالف پیامدهای منفی وضعیت جدید می‌باشند.

۷- نوسازی:

"نوسازی" به سبب ایجاد ایده‌ها، نهادها، تولیدات و سازمان‌های جدید در جوامع محلی ممکن است به نهادهای سیاسی موجود در دولت‌ها آسیب زده و منجر به تضعیف و نابودی اساسی این دولت‌ها شود.

۸- برخورد تمدن‌ها یا فرهنگ‌ها:

از نظر "هانتینگتون" اندرکنش پیچیده‌ای میان عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود دارد که ماهیت منازعه در دنیای مدرن را دگرگون خواهد داد. در یک دنیای به مراتب کوچک‌تر، فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف بسیار بیشتر با هم تماس و برخورد پیدا می‌کنند و به دنبال این تماس‌ها و برخوردها، دورنمایی از خشونت گسترده‌تر نیز وجود خواهد داشت. فرهنگ‌های مورد نظر وی که بر اساس مذهب تقسیم‌بندی شدند، عبارتند از: مسیحیت غربی شامل اروپا و آمریکای شمالی، ارتدکس شرقی (اسلاوها) با محوریت روسیه، دنیای اسلام، بلوک تمدنی چین/کنفوسیوسی، بلوک تمدنی هندو (هندوئیسم)، بلوک تمدنی آفریقا و بلوک تمدنی آمریکای لاتین. مرزهای بین این مناطق فرهنگی ممکن است مناطق منازعه باشند. هانتینگتون بیان می‌کند که منازعه‌های آینده ممکن است در گسل‌های بحران‌زای بین فرهنگ‌های مختلف، به ویژه مرزهای بین اسلام و دیگر تمدن‌ها و نیز در داخل دنیای اسلام رخ دهد.

۹- آرمان‌های اجتماعی/گروهی و ایدئولوژیک

نویسنده اشاره می‌کند از آنجا که تروریسم با هدف‌های "اجتماعی/گروهی"، "ایدئولوژیک" و "ابزاری" به کار گرفته می‌شود، بنابراین، این هر یک از انگیزه‌های فوق ممکن است ابه بروز تروریسم از جمله "گروهی مذهبی"، "گروهی ملی" و "ایدئولوژیک" و "ابزاری" منجر شود.

۱۰- فقدان ساختار قوی دولتی

"فقدان ساختار قوی دولتی" عاملی است که سهم آشکاری در ظهور گروه‌های تروریستی دارد. در واقع، تروریسم داخلی در جوامع خودکامه همچون آلمان هیتلری، شوروی دوره استالین و عراق دوران صدام اصلاً وجود نداشت. ولی در نظام‌های توتالیتر ضعیف‌تر و دموکراسی‌ها فرصت‌های بیشتری برای اقدام گروه‌های تروریستی وجود دارد.

۱۱- دوره گذار

دولت‌ها ممکن است در "دوره گذار" از یک شکل حکومت به شکل دیگر، حتی از یک شکل توتالیتر به شکل دیگر، در برابر تروریسم آسیب‌پذیر باشند. زیرا در این دوره‌ها توانایی حکومت‌ها معمولاً محدود می‌گردد. به خاطر حجم فزاینده تقاضاها در دوره گذار، حفظ کنترل سرزمین برای حکومت مشکل می‌شود و زوال سیاسی حکومت به بروز انواع مختلف تروریسم منجر می‌گردد.

۱۲- فروپاشی امپراتوری‌ها و دولت‌های چندقومی

"فروپاشی امپراتوری‌ها و دولت‌های چندقومی" نیز یکی دیگر از علت‌های بالقوه بروز تروریسم است. پس از فروپاشی این دولت‌ها، ترکیب جمعیتی موجود موجب بروز مشکلات و مناقشه‌های مرزی مداوم بین دولت‌های نوساخته می‌گردد. اکثر خشونت‌های ناشی از فروپاشی امپراتوری‌ها ممکن است منجر به جنگ‌های متعارف می‌شوند. اما احتمال توسل به تروریسم نیز وجود دارد.

اما نقد وارده به کتاب مذکور این است که در بررسی علل تروریسم، چند عامل که اغلب دستاویز گروه‌های تروریست در دوره اخیر برای اقدامات تروریستی است، از جمله: «دخالیت قدرت‌های بزرگ در کشورهای دیگر»، «حمایت پیدا و پنهان آنها از گروه‌های تروریستی»، «سیاست‌های امپریالیستی قدرت‌های بزرگ»، «هویت‌یابی در مقابل تهاجم فرهنگی غرب» و «توسعه نامتوازن ناشی از سرمایه‌داری جهانی» از نگاه نویسندگان پنهان مانده است. به نظر می‌رسد اشاره به این عوامل در بروز تروریسم، به غنای بیشتر کتاب کمک می‌کند.

خواندن این کتاب علاوه بر ارایه اطلاعات بسیار مفید در خصوص گروه‌های تروریستی در دوره‌های مختلف زمانی، چارچوب مناسبی برای تحلیل پدیده تروریسم در جهان به ویژه در دنیای اسلام در اختیار خواننده می‌گذارد.